

مجلس پنجم



گنج های
قدیمی



گنج پنجم

تعاون و همکاری

ستاد امریه معروف و نهی از منکر مازندران
معاونت تبلیغ حوزه علمیه مازندران

فهرست

- ۳..... گنج پنجم : تعاون و همکاری
- ۶..... تعاون و همکاری در سیره اهل بیت
- ۷..... اهتمام امیرالمومنین به مشکلات مردم
- ۸..... مواسات چیست؟
- ۹..... اندازه مواسات و همیاری در اسلام
- ۱۰..... مصادیق تعاون و همکاری
- ۱۱..... ۲. رفع غم از چهره مومن
- ۱۵..... ۳. عیادت در وقت بیماری
- ۱۶..... ۴. کوشش برای صلح و آشتی
- ۲۰..... اصلاح ذات البین واجب است
- ۲۲..... ۵. امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۴..... شیوه های امر به معروف

گنج پنجم: تعاون و همکاری

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از گنج های قدیمی تعاون و همکاری است در قدیم اگر مشکلی برای کسی پیش می آمد فامیلها، دوستان، آشنایان و همه دور هم جمع می شدند تا بتوانند با تعاون و همکاری یکدیگر مشکلات را حل کند .

برای ساخت کوچه و خیابان و موارد این چنینی به یکدیگر تعاون می دادند همکاری می کردند کشاورزها اگر می دیدند بالاخره یکی کمتر اولاد داره کمتر کارگر داره و یا ضعیف است در این مسائل می آمدند دست به دست هم می دهند در نشا کردن در درو کردن در کمک به او جانفشانی می کردند و او را کمک می کردند.

لذا این یک رسم خوبی است از قدیم و یکی از گنج های قدیمی است است که باید ما آن را به عنوان یک گنج قیمتی از آن نام ببریم چرا که خداوند متعال هم در قرآن کریم ما را به این امر خداپسندانه دستور داده: **تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا**

تَعَاوُنًا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ كَمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْبَنِيَّةَ فَتَكُونَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ لُحُومًا فَهِيَ كَلْبٌ لَقِيتُ فِي الْحَرْبِ وَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

در نیکی کردن و در تقوای الهی.

تعاون و همکاری یک کار مقدسی است و می شود از آن استفاده کرد گاهی نگاه می کنیم می بینیم که در محل ما در محل زندگی ما مشکلاتی وجود دارد که اگر بخواهند هر نفر تنهایی انجام دهد نخواهد توانست!

اینجاست که این همکاری و تعاون هم افزایی اون هم زبانی با همدیگر نتیجه می دهد و به قول ضرب المثل قدیمی که یک دست صدا ندارد، لذا انسان می تواند در این موارد کمک کند و این در واقع برگرفته از همان حدیث معروف است که آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند و آنچه را که برای خودت نمی پسندی برای دیگران هم نپسند.

لذا این همکاری و تعاون گنجی قیمتی است که ما باید قدر آنرا بدانیم حالا در این جلسه شریف می خواهیم در مورد تعاون و همکاری صحبت کنیم ببینیم در چه زمینه هایی می توانیم

^۱ -مائده آیه ۵



همدیگر را یاری کنیم و دست یاری به سوی همدیگر دراز کنیم. گاهی دیده میشه در همین کشور خودمان مثلاً مسئله سیل میاد و خانه ها را ویران می کنه، از شهرهای مختلف جوانان جمع می شوند برای رضای خدا تعاون میدن همکاری می کنند تا بتوانند مشکلات مردم را حل کند.

یا مثلاً خدای نکرده زلزله میاد یا همین شیوع ویروس کرونا که دیدیم در کشور هر کسی با هر طریقی انسانهای خوب اومدم توی میدان و وبا تعاون و همکاری که داشتند در موارد مختلفی کمک کردند تا بتوانند ریشه های این بیماری را از بین ببرند و مشکلات بیماران و همراهان بیماران را کمتر کنند می دیدیم که همون اوایل کرونا بالاخره مردم از جانباختگان کرونایی هم میترسیدن.

اوایل شاید بدون غسل و بدون کفن همینطور با کاور بیمارستان دفن کردند اما همین طلبه های جهادی تعاون کردن واقعا همکاری کردند و خودشان را سپر بلا قرار دادن آمدن به میدان آمدن به میدان این کار مهم رو و این تجهیز اموات کرونایی را برعهده گرفتند و واقعاً با همکاری که داشتند



توانستند بالاخره امور شرعی اموات را به نحو احسن انجام دهند و آنها را بدرقه کردند به خانه قبر و قیامت و سرای آخرت.

حالا ما می‌خواهیم یک مقداری از باب روایات هم صحبت کنیم که در این جلسه می‌خواهیم در مورد آثار و برکات تعاون و همکاری با همدیگر صحبت کنیم انواع و اقسام تعاون و همکاری را با همدیگر بحث می‌کنیم و در آخر هم راه‌های تعاون و همکاری را با همدیگر بررسی می‌کنیم تا انشالله بتوانیم در این گنج قدیمی تعاون و همکاری هم ما خوب بدرخشیم.

تعاون و همکاری در سیره اهل بیت

در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) حل مشکلات و تأمین

نیازمندی‌های دیگران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

گره‌گشایی از مشکلات مردم بدون فوت وقت در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) مصادیق فراوان دارد. هرگاه کسانی در جامعه دچار مشکل شده، برای رفع آن به محضر ائمه هدی (علیهم السلام) می‌آمدند، آنان بی‌درنگ در جهت رفع مشکلات و گرفتاری‌های آنان اقدام می‌کردند و اجازه نمی‌دادند



گره‌گشایی از مشکلات مردم به تأخیر افتد و فرصت‌ها از دست بروند.

روایتی از اهتمام امیرالمؤمنین به مشکلات مردم

از امام باقر(علیه السلام) روایت شده است که حضرت علی(علیه السلام) هنگام گرمای روز، به خانه برمی‌گشت که زنی را مشاهده کرد که از شوهرش شکایت داشت. امام فرمود: صبر کن تا از گرمای هوا کاسته شود. آن زن عرض کرد: اگر دیر کنم آتش غضب شوهرم شعله‌ورتر می‌شود. امام علی(علیه السلام) سرش را تکان داد و قسم یاد کرد که بی‌درنگ حق مظلوم را بستاند و به یاری وی بشتابد و مشکل وی را حل نماید. از این رو، همراه وی به راه افتاد. وقتی به در خانه آن زن رسید، شوهرش را، که مردی جوانی بود، به ترس از خدا و عدم آزار و اذیت زنش فرا خواند. جوان از سخنان امام برآشفته. اما در این هنگام، وقتی دید مردمی که از آنجا می‌گذرند، به حضرت علی(علیه السلام) سلام می‌کنند، فهمید که این شخص امیرالمؤمنین(علیه السلام) است. به همین دلیل، به دست و پای حضرت افتاد و از گناه و لغزش خویش بخشش خواست،



شمشیرش را در غلاف کرد و به زنش فرمود تا داخل منزل برود.^۱ چنان که ملاحظه می شود، تعجیل در حل مشکلات مردم، به روشنی از این حدیث فهمیده می شود، آن گونه که حضرت علی(علیه السلام) تحمّل هوای گرم را بر خویش هموار کرد.

مواسات چیست؟

اهلبیت علیهم السلام همواره در پی ترویج مواسات و همیاری بودند. یکی از زیباترین خصلت های معاشرتی «مواسات» است؛ یعنی غم خواری و همدردی و یاری کردن دیگران. «مواسات» از ریشه «اسوه» است؛ یعنی «دیگری را در مال و جان همچون خود دیدن و دانستن، دیگری را بر خود مقدّم قرار دادن، به دوستان و برادران دینی یاری و کمک مالی و جانی رساندن.» در روایات اسلامی، مواسات بسیار ستوده شده است. رسول گرامی(صلی الله علیه وآله) در این زمینه می فرماید: کسی که دو لباس دارد یکی را خود بپوشد و دیگری را به برادر دینی خویش بپوشاند.

^۱ ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ذوی القربی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۶۸.



اندازه مواسات و همیاری در اسلام

امام کاظم(علیه السلام) نیز به جعفرین محمد عاصمی فرمود:
«یا عاصم! کیف انتم فی التواصل و التواسی؟ (قال) قلت: علی
افضل ما کان علیه احدٌ. قال: آیأتی احدکم إلی دگانِ اخیه او
منزله عند الضائقة فیستخرج کیسه و يأخذ ما یحتاج الیه فلا
ینکر علیه؟ قال: لا: قال: فلستم علی ما احبُّ فی التواصل»^۱
عاصم! در مواسات و ارتباط با یکدیگر چگونه اید؟ او می گوید:
عرض کردم: به بهترین حالتی که شخصی ممکن است باشد.
فرمود: آیا (این گونه هستید که) یکی از شما هنگام تنگ دستی
به مغازه یا خانه برادر (دینی) اش برود و کیسه (پول) او را بردارد و
به مقدار نیاز از آن برگیرد و او نیز ناراحت نشود؟ گفتم: نه.
فرمود: پس در حالتی از ارتباط با یکدیگر نیستید که من دوست
دارم.

^۱ بحار، ج ۷۴، ص ۲۳۱.



چند نمونه از مصداق های تعاون و همکاری که می شود در جامعه به پررنگ کردن آن کمک کرد.

۱. هدیه دادن

هدیه دادن به برادر مومن، جهت اظهار دوستی و محبت و تأکید دوستی یکی از مصادیق همدلی و تعاون است. چرا که از این طریق انس و الفتی بین قلب های آنها ایجاد می شود که در گرفتاری ها و مشکلات بعدی آنها را به یکدیگر نزدیک تر می کند

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الْهَدِيَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ ، وَ تَجْدُرُ الْأُخُوَّةَ ، وَ تُذْهِبُ الضَّعِيْفَةَ ،

تَهَادُوا تَحَابُّوا !

هدیه دادن محبت می آورد و برادری را نگه می دارد و کینه و دشمنی را می برد. برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستدار هم شوید.

^۱ بحار الأنوار: ۲/۱۶۶/۷۷



۲. رفع غم از چهره مومن و سیر و سیراب کردن او

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس که غصه و اندوه قلب مومنی را مرتفع کند، خداوند، اندوه آخرت را از او برطرف خواهد فرمود و با دل خشنود و قلب مسرور از قبر بر خواهد خاست و هر آن کس که مومن گرسنه‌ای را خوراک دهد، خداوند از میوه‌های بهشتی به او خواهد خورانید و هر کس که مومنی را به جرعه آبی سیراب کند، خدایش از رحیق مختوم سیراب خواهد کرد.

خواهی چو خلیل، کعبه بنیاد کنی

وان را به نماز و طاعت آباد کنی

روزی دو هزار بنده آزاد کنی

به زان نبود که خاطری شاد کنی

امام صادق علیه السلام فرمود:



مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذْخَالُ الشُّرُورِ عَلَى

الْمُؤْمِنِ إِشْبَاعُ جَوْعَتِهِ أَوْ تَنْفِيسُ كَرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءُ دَيْنِهِ^۱

از بهترین اعمال نزد خداوند، شادکردن مؤمن به رفع

گرسنگی و رفع گرفتاری و یا ادای بدهی اوست.

در روایت است که مردی از اهل ری می گوید: یک حاکم جدید

بر شهر ما گمارده شد. من مقداری بدهی داشتم و ترسیدم از

اینکه اگر این بدهی را نپردازم از موقعیتی که دارم، محروم شوم

و مرا از کار برکنار کنند، شنیدم که او گرایش شیعی دارد و شیعه

است، اما در عین حال نگران بودم که اگر نامه ای برای او

بنویسم ممکن است شیعه نباشد و در موقعیتی قرار گیرم که

دوست ندارم، لذا به این فکر افتادم که به مکه بروم و مراسم

حج را به جای بیاورم و با امام موسی بن جعفر علیه السلام

گرفتاری خود را در میان بگذارم، به مکه رفتم و مراسم حج را به

جای آوردم و به خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم و

^۱ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۷؛ کافی، ج ۳، ص ۲۷۶.

مشکلم را با او در میان گذاشتم، حضرت نامه ای به شرح زیر
برایم نوشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اعْلَمَنَّ لِلَّهِ تَحْتَ عَرْشِهِ ظِلًّا لَا
يَسْكُنُهُ إِلَّا مَنْ أَسَدَى إِلَىٰ أَخِيهِ مَعْرُوفًا أَوْ نَفَسَ عَنْهُ كَرْبَةً أَوْ
أَدْخَلَ عَلَىٰ قَلْبِهِ سُرُورًا وَ هَذَا أَحْوَكُ وَ السَّلَامُ

به نام خداوند بخشنده مهربان، بدان که در زیر عرش
خداوند سایه ای است که ساکن نمی شود در آن مگر کسی که
کار خیری را برای برادر دینی اش انجام دهد، یا گرفتاری او را رفع
نماید و یا قلبش را شاد نماید و این برادر تو است والسلام.

از مراسم حج بازگشتم و شبانه به خانه والی رفتم و اجازه
ملاقات گرفتم و عرض کردم من فرستاده امام هفتم علیه
السلام هستم. او همین که فهمید من فرستاده امام کاظم
علیه السلام هستم، احترام و صف ناپذیری به من گذاشت، در
برابر من ایستاد و پیشانی مرا بوسید و مرا در آغوش گرفت
سپس مرا به خانه اش برد و بالای مجلس نشاند و خودش در
پایین مجلس نشست، در این هنگام نامه حضرت را به او دادم و

او به احترام نامه امام برخاست و نامه را بوسید و خواند و سپس مال و لباسش را به طور مساوی با من تقسیم کرد و آنچه قابل قسمت نبود، پولش را داد و در هر بار که هدیه ای می داد، می پرسید ای برادر! آیا تو را خوشحال کردم یا نه؟ و من می گفتم بلی خیلی خوشحال شدم، و بعد آنچه به نام من مالیات و بدهی بود، همه را بخشید و دستور داد نام مرا از لیست مالیات دهندگان پاک کنند، من در برابر این همه محبت و لطفی که از او دیده بودم با خود گفتم من که نمی توانم این همه محبت را جبران کنم، تنها کاری که می توانم انجام دهم این است که سال بعد در مراسم حج شرکت کنم و او را دعا کنم و با امام کاظم علیه السلام ملاقات نمایم و محبت های او را به عرض حضرت برسانم.

تصمیم خود را عملی ساختم و به مکه رفتم و بعد از مراسم حج، خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم و گزارشی از برخورد و رفتار محبت آمیز والی را به حضرت دادم. حضرت بسیار خوشحال شد.

عرض کردم:

«یا مولای! هَلْ تَسْرُکْ ذَلِکْ؟»

آیا رفتار خوب او با من، شما را هم خوشحال کرد؟»

حضرت فرمود: بلی، به خدا قسم! هم من خوشحال شدم و هم علی علیه السلام به خدا قسم پیامبر هم خوشحال شد، خدا هم خوشحال شد!

۳. عیادت در وقت بیماری

یکی از مصادیق همدلی بین مومنان عیادت در وقت بیماری است. چرا که انسان بیمار بیشتر از اوقات دیگر نیاز به مراقبت و همدلی دیگران دارد، لذا وقتی برادر مومنش در آن وقت او را ملاقات کند و کنار او حضور یابد، انس و الفتی بین آنها ایجاد می‌کند که در مهله‌های بعدی یکدیگر را یاری می‌کنند.

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ مُؤْمِنًا حِينَ يُصْبِحُ شَبَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَإِذَا قَعَدَ عَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ حَتَّى يُمْسِيَ وَ إِنْ عَادَهُ مَسَاءً كَانَتْ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ

^۱ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۷۴.

ابوعبدالله صادق (ع) گفت: هر مؤمنی که صبح از جا برخیزد و به عیادت مؤمنی روان شود، هفتاد هزار فرشته او را مشایعت نمایند و چون بر بالین بیمار بنشیند، رحمت الهی او را فرا بگیرد و فرشتگان تا شباهنگام برای او آمرزش بخواهند. و اگر شب هنگام به عیادت رود، همین گونه پاداش نصیب او میگردد!

۴. کوشش برای صلح و آشتی

خداوند در قرآن می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^۲

«مومنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت الهی واقع شوید.

یکی از رشته‌های تقوا که اکثر مسلمین آنرا پشت پا زده‌اند، هرچه زمان پیش می‌رود، نکبت بیشتر می‌شود، تقوای در حُب

^۱ الکافی، ثقة الإسلام کلینی ج ۳ ص ۱۲۱؛

^۲ حجرات ۱۰

و بُغْضُ اسْتِ. خدای ما ، رب ما ، مالک ما ، رازق ما ، پروردگار ما ،
بما چنین دستور داده رابط بین شما ، دینتان است **إِنَّمَا
الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ** هرکس گفت لاله الا الله
محمد رسول الله البته با اقرار به ولایت و معاد ، چه در مشرق
باشد چه در مغرب ، شما دو با هم برادرید ، یکی هستید ،
غمخوار هم باشید ؛ دلسوز و یار و یاور هم باشید در امر دنیا و
آخرت. مومن نسبت به مومن مثل ساختمان است. ساختمان
دیده اید ؟ چطور ساختمان هر جزئی جزء دیگر را نگه می دارد و
مجموع نگه داشته می شود

المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضها بعضاً^۱

باید مؤمنین با هم متفق و دلها با هم یکی باشد به جهت
دینی و رفاقت ایمانی در جهت بغض **لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ
أَوْلِيَاءَ**^۲ دشمن نباید بدارید مگر هرکه دشمن خدا و رسول است
او را باید دشمنش بدارید. این دستور خدا و قرآن و عقل است
ولی مسلمان ها امروز کاملاً بر عکس این دستور رفتار می

۱ جامع الأخبار ج ۱ ص ۸۵

۲ سوره ممتحنه آیه ۱

کنند. رفیق من کسی است که به میل من باشد ، مطابق میل من رفتار کند ، رفیق من کسی است که با من معامله می کند ، به من صرفه می رساند. تمام مطابق نفس و هوی است هرچند طرف فاسق هم باشد بلکه کافر هم باشد و دشمن می دارند کسی که به میلشان عمل نکند هرچند مؤمن روزگار هم باشد. در مجلس پیش پای حاجی بلند نشد ، با او معامله نکرد ؛ قرضش نداد ؛ مطابق میلش رفتار نکرد ؛ او را دشمن می دارد. اینکه دستور به عکس است. هرچند خلاف میل تو کرد ؛ چون مومن است .

شیعه علی و نماز خوان است باید دوستش بداری ولو به تو فلان ضرر را رساند یا فلان نفع را به تو نرساند ، غرض شخصی را میزان قرار نده ؛ رضای خدا را ملاحظه کن دشمنی با مسلمانان حرام است نمی شود دشمن داشت کسی از مسلمانان را در برابر آداب و رسوم عرفی ؛ تو باید ناراحت بشوی در برابر گناه ، اگر کسی گناهی کرد ناراحت شوی ، اگر دیدی در مجلس عقد و عروسی نر و ماده مخلوطند ناراحت شو ، این زنهای آرایش کرده با این جوانها چه گناه بزرگی است؟! تا می توانی گریه بکن ، نه

اینکه داد و قال بکنی که اول چرا جلوی من نگذاشتند ؟ اول وعده مرا نگرفتند ، مسلمان باید فقط بغضش در برابر گناه باشد نه خلاف میل شخصیش .

در اصول کافی است می فرماید دو نفر مسلمانی که با هم قهر کردند تا سه روز اگر طول کشید از ربقه اسلام هر دو بیرونند (وَ مِنْ بَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَصْبَحَ كَذَلِكَ وَ هُوَ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ وَ إِنْ مَاتَ كَذَلِكَ مَاتَ عَلَى غَيْرِ دِينِ الْإِسْلَامِ^۱ می بینیم و می شنویم بعضی یک هفته یا یکماه به هم حرف نمی زنند قهر می کنند به

اَثَابُ الْأَعْمَالِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ بَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَصْبَحَ كَذَلِكَ ، وَ هُوَ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ ، وَ إِنْ مَاتَ كَذَلِكَ مَاتَ عَلَى غَيْرِ دِينِ الْإِسْلَامِ . ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا وَ مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فَلَيْسَ مِنَّا - قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - . [اَثَابُ الْأَعْمَالِ : ۳۳۵ / ۱].

ثواب الأعمال - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس شب را به سر برد و در دلش قصد خیانت و دغلی نسبت به برادر مسلمانش داشته باشد، آن شب را در خشم خدای متعال سپری کند و روزش را نیز به همین گونه در خشم و ناخشنودی خداوند به سر برد مگر اینکه توبه و بازگشت کند. و اگر در چنین حالتی بمیرد بر غیر آیین اسلام مرده است . رسول خدا صلی الله علیه و آله سپس سه بار فرمود: بدانید که هر کس با مسلمانی دغلکاری کند از ما نیست.

خانه یک دیگر نمی روند حتی نگاه یکدیگر نمی کنند این خلاف تقوی و حرام است.

اصلاح ذات البین واجب است

اول سوره انفال می فرماید تقوی بورزید و بین خودتان اصلاح

کنید **وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ**

اگر زن و شوهری با هم قهر کردند تو که بزرگتر خانواده هستی یا هرکس داخل این فامیل با اطلاع است بر آنها واجب است این زن و شوهر را اصلاح بدهند نه اینکه بگویند به من چه و او هم بگوید به من چه ، قرآن می فرماید **فاصلحوا ذات بینکم** امر است امر ظاهر در وجوب است جای دیگر می فرماید **فاصلحوا بین اخیکم** دو نفری که با هم قهرند ، حالا غلط و معصیت کرده اند تو دیگر گناه نکن آنان را اصلاح بده.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) جزء وصیت های مهمش به حسن و حسین (علیهم السلام) فرمود : **أُوصِيكُمَا بِتَقْوَى اللَّهِ وَآلَا تَبْغِيَا الدُّنْيَا وَإِنْ بَغْتُمَا وَلَا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا زَوْيَ عَنْكُمَا وَقَوْلًا بِالْحَقِّ وَاعْمَلَا لِلْأَجْرِ وَكُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا أَوْصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وَ لَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي**

بِتَقْوَى اللَّهِ وَنُظْمِ أَمْرِكُمْ وَصَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ
(صلى الله عليه وآله) يَقُولُ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ
الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ^۱

وصیت من به شما دو پسر (حسن و حسین) و به هر
شیعه ای، به هر مومنی تا قیام قیامت این وصیت علی (علیه
السلام) است (تقوی) این قدر مطابق میل حرکت نکن اینقدر
غیض و قهر از روی هوی و هوس نکن، خدا را ملاحظه بکن، خدا
را در نظر بگیر، برای خدا گذشت کن ((فاعفوا و اصفحوا)) آن
وقت فرمود اصلاح بدهید میان مردمان، فرمود خودم شنیدم
از ابن عمم خاتم انبیاء محمد مصطفی (صلى الله عليه وآله و سلم)
که فرمود: (اصلاح ذات بین افضل است از تمام نمازها و
روزه ها) هرچه نماز است.

اگر میان زن و شوهری یا دو تا رفیق که پینشان نگرانی و
دلتنگی است اصلاح بدهی از همه نمازها بالاتر است از رسول
خدا (صلى الله عليه وآله و سلم) مرویست که پس از واجبات

۱ نامه ۴۷ نهج البلاغه: از وصیت‌های آن حضرت است به حسن و حسین علیهما السلام

هیچ عملی بالاتر از اصلاح ذات البین نیست ، در این مورد هرچه پول خرج کنید جا دارد. دروغ هم در برخی موارد می شود گفت ، پول خرج کن اطعامی بده ، مهمانی کن ، این بهترین عبادتهاست برای شما ، دروغ برای مصلحت در این موارد نزد خدا صدق نوشته می گردد ، اصلاح ذات بین خصوصاً بین زن و شوهر اهمیت دهید.

۵. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از نمونه های تعاون و همدلی در عرصه اجتماع، امر به معروف و نهی از منکر است. زیرا از نظر اسلام سرنوشت جامعه و فرد به هم پیوند می خورد، از این رو دین اسلام برای دور ماندن جامعه از سقوط و تباهی مومنان را به برقراری فریضه امر به معروف و نهی از منکر سفارش می کند. کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، در حقیقت در انجام گرفتن کارهای نیک و ترک اعمال زشت و ناپسند با دیگران همکاری می کند.

باید دانست که امر به معروف و نهی از منکر از چنان اهمیّت والایی برخوردار است که همه ی انبیا خود را ملتزم بدان می

دانسته و دیگران را نیز توصیه به آن می فرمودند. خداوند در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «یأمرهم بالمعروف و ينهیهم عن المنکر»^۱ و چنین نقل شده که مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد - در حالی که حضرت بر فراز منبر نشسته بود - و پرسید:

«من خیر الناس؛ چه کسی از همه ی مردم بهتر است؟»

پیامبر فرمود: «أمرهم بالمعروف و انهاهم عن المنکر

و اتقاهم لله و ارضاهم»^۲

و در حدیثی که از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد شده، خواننده را شگفت زده و مبهوت خود می سازد. گویا دیگر هیچ عملی بالاتر از امر به معروف و نهی از منکر نیست و آن بر فراز قلّه ی نیکی ها قرار گرفته است. آن جا که فرمود:

و ما أعمالُ البرِّ کُلُّها و الجِهادُ فی سبیلِ اللّهِ عِنْدَ الأمرِ

بِالمَعروفِ و النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ ، إِلَّا كَنْفَتَةٌ فی بَحْرِ لُجِّيٍّ^۳

^۱ اعراف / ۱۵۷.

^۲ طبرسی، امین الاسلام، مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۷.

^۳ [نهج البلاغة: الحکمة ۳۷۴].

همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر همچون آب دهانی که در دریایی ژرف انداخته شود.

البته فراموش نشود که شیوه امر به معروف و نهی از منکر دیگران و یا حتی خانواده خود هم بسیار بسیار مهم است. نباید طوری باشد که طرف مقابل از دین و آئین زده شود.

شیوه های امر به معروف

اجمالاً می توان شیوه های امر به معروف و نهی از منکر را این گونه بیان کرد:

۱. شیوه بازسازی روانی (امید دادن)
۲. شیوه کنایی (از باب به در بگو دیوار بشنود): قرآن به حضرت عیسی علیه السلام می گوید: «آیا تو به مردم گفتی من و مادرم را خدا بدانند؟» در اینجا دوگانه پرستی نهی شده است اما در قالبی که مخاطب در واقع دیگران هستند.

۳. شیوه ایجاد محبت؛ یعنی ابتدا لطف و محبت، سپس امر و نهی: در روایت آمده است که مردی شامی به امام حسن مجتبی علیه السلام جسارت کرد، حضرت او را به منزل برد و چنان مورد تفقد قرار داد که او از حرف های خود شرمنده شد.

۴. مختصر گفتن: در حدیث می خوانیم: «اذا وعظت فاجز» یعنی هر گاه کسی را موعظه می کنی خلاصه بگو.
۵. مخفیانه بودن: در حدیث می خوانیم: «هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند او را آراسته است ولی هر کس او را آشکارا موعظه کند، شرمنده اش کرده است.» (بحار، ج ۷۵، ص ۳۷۴)

۶. استمداد از وجدان: شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من فردی زنا کارم حضرت فرمود: آیا حاضری کسی با ناموس تو این کار را بکند گفت: نه پیامبر فرمود: پس تو نیز این کار را نکن.

۷. در صورت امکان در قالب طنز باشد: روزی بهلول وارد مجلس هارون شد، چون هارون در مجلس حضور

نداشت بهلول جای هارون نشست، خادمان او را از آنجا بلند کردند و کتک زدند. همین که هارون وارد مجلس شد، به او گفت: من چند دقیقه جای تو نشستم، کتک خوردم، وای به حال تو که عمری در جای اهل بیت پیامبر نشسته ای. او با این طنز به هارون گفت: راه تو باطل و حکومت تو غصبی است.